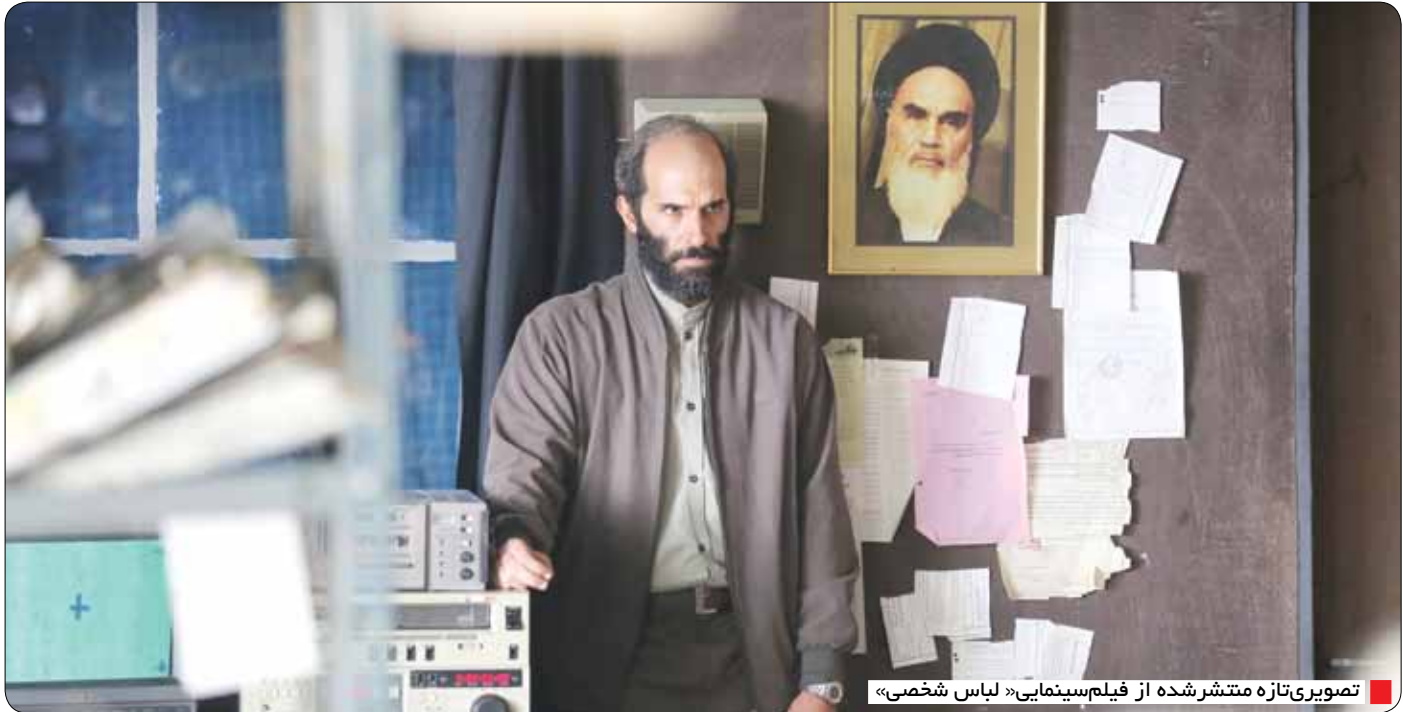


پرونده «وطن امروز» پیرامون برخی از مهم‌ترین آثار سینمای سیاسی ایران که به تاریخ معاصر می‌پردازند

# تاریخ در ژانر سیاسی

**گروه فرهنگ و هنر:** تاریخ همیشه پر بوده از سوژه‌هایی که قابلیت خلق درام‌هایی جذاب و دیدنی داشته است؛ بویژه قصه‌هایی تاریخی که با سیاست و آدم‌های سیاسی گره خورده است. البته که این حوزه نیز همچون بسیاری دیگر از حوزه‌های مضمونی و محتوایی طی این سال‌ها عموماً در سینمای ایران در سایه درام‌های اجتماعی قرار گرفتند. این در حالی است که معمولاً هرگاه سینماگران ایرانی سراغ چنین سوژه‌هایی رفتند در نهایت با استقبال مخاطبان نیز همراه شده است. «لباس شخصی» را می‌توان مهم‌ترین نمونه از این آثار دانست که قرار است در جشنواره فجر امسال به نمایش درآید. اثری در ارتباط با فعالیت‌های حزب توده که روایتگر حضور نفوذی‌های حزب توده در خرابکاری‌های دهه ۶۰ است. امیرعباس ربیعی، سازنده این اثر، لباس شخصی را به عنوان اولین اثر سینمایی خود با ترکیبی از بازیگران تئاتری روانه جشنواره فیلم فجر کرده است و احتمالاً با توجه به موضوع آن می‌توان این اثر را یکی از مهم‌ترین آثار جشنواره امسال دانست. لباس شخصی اثری جاسوسی و معمایی است که با وجود اینکه روایتگر گوشه‌ای از تاریخ معاصر ایران است اما حال و هوایی معماگونه بر آن حاکم است که البته با توجه به قصه اصلی آن که مربوط به فعالیت‌های جاسوسی حزب توده در دهه ۶۰ است، طبیعی به نظر می‌رسد. این فیلم که با سرمایه‌گذاری سازمان هنری - رسانه‌ای اوج تولید شده، قرار است در بخش نگاه نو سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر به نمایش درآید. حضور این اثر در جشنواره فجر امسال و احتمال درخشیدن آن، پهنه‌ای شد تا در گزارشی به بررسی مهم‌ترین فیلم‌های تولید شده با محوریت موضوعات تاریخی - سیاسی بپردازیم.



تصویری تازه منتشر شده از فیلم‌سینمایی «لباس شخصی»

**سیانور**

تعداد تماشایی  
 ۳۶۵ هزار و ۴۱۲ نفر

میزان فروش  
 ۲ میلیارد و ۵۲۳ میلیون تومان

**شبی که ماه کامل شد**

تعداد تماشایی  
 یک میلیون و ۷۰۷ هزار نفر

میزان فروش  
 ۱۹ میلیارد و ۱۳۰ میلیون تومان

**ماجرای نیمروز ۱**

تعداد تماشایی  
 ۴۹۸ هزار و ۸۰۰ نفر

میزان فروش  
 ۴ میلیارد و ۲۹۷ میلیون و ۳۵۹ هزار تومان

**ماجرای نیمروز ۲**

تعداد تماشایی  
 ۵۲۶ هزار و ۷۰۰ نفر

میزان فروش  
 ۶ میلیارد و ۲۳۲ میلیون تومان



بهرز شیبی بعد از تجربه موفق «دهلیز» در ژانر اجتماعی، با فیلم سینمایی «سیانور» به سراغ دهه ۵۰ و تسویه حساب‌های داخلی مجاهدین خلق رفت. مسعود احمدیان فیلمنامه‌نویس «سیانور» یک بستر دراماتیک عاشقانه را به عنوان زیرساخت روایی داستان انتخاب کرده است. رابطه عاطفی امیر به عنوان یک نظامی و هم‌ا به عنوان یک مجاهد مبارز از پتانسیل بالایی در تزریق جذابیت به سیانور برخوردار است. اکثر اشخاص و اسامی حاضر در سیانور نیز دارای مابه‌ازای واقعی در ارکان سازمان مجاهدین در دهه ۵۰ شمسی (پیش از انقلاب اسلامی) هستند. مهم‌ترین آنها مربوط به مجید شریف‌زادگان و همسرش لیلا زمردیان، وحید افراخته و تقی شهرام است. نبوده است، بلکه دارای یک بخش اجتماعی مهمی بوده که آن بخش اجتماعی در گروه‌های سیاسی، گروه‌های چریکی، جوانان دانشجو و حتی کارمندان ادارت گسترده می‌شده است که بسیار ملتهب بوده و ما هیچ‌وقت این گونه به چنین بخش‌هایی نپرداخته‌ایم. آن زمان یکی از پیشنهادات به ما این بود که اسامی واقعی را تغییر دهیم. این پیشنهاد خیلی محافظه‌کارانه بود اما بعداً در جشنواره متوجه شدیم اگر اسامی عوض می‌شد، خیلی‌ها راحت‌تر با فیلم کنار می‌آمدند. من اما معتقدم اگر اسامی واقعی را حذف کنیم دیگر «سیانور» جذابیت و ویژگی خاصی ندارد.

واقعی است و ما فقط در جزئیات دخل و تصرف کرده‌ایم. من در روند تحقیقات، اطلاعات زیاد و جذای دربار جندالله، عبدالملک و عبدالحمید به دست آوردم ولی سعی کردم می‌نوشت. جشنواره سی‌وهفتم با «شبی که ماه کامل شد» برای آپبار خوش‌یمن بود. جایزه بهترین فیلم جشنواره و جایزه اصلی در حوزه بازیگری به این فیلم رسید. ششی که ماه کامل شد» برگرفته از ماجرای واقعی زندگی عبدالحمید ریگی، نفر دوم گروه تروریستی جندالله و برادر عبدالملک ریگی است. فیلم با روزهای منتهی به ازدواج فائزه و عبدالحمید آغاز شده، سفر فائزه و برادرش به پاکستان را روایت می‌کند و با قتل فائزه به دست همسرش در پاکستان پایان می‌یابد. ضعف در پرداخت شخصیت عبدالحمید و تبدیل او از یک مرد رمانتیک به یک تروریست بی‌رحم، نکته‌ای بود که در اکثر یادداشت‌های منتقدان سینمایی درباره این فیلم به چشم می‌خورد. البته کارگردان از روایت مو به موی ماجرای مسعود اقتباس اجتناب کرده و در چند مورد از قوه تخیل خود استفاده کرده است.



دیده بودم، برخی به خشونت فیلم انتقاد کردند ولی خشونت عبدالملک خیلی بیشتر از این چیزی است که در فیلم می‌بینید. من در فیلم فقط عملیات تاسوکی را آوردم ولی خشونتی که ما از طریق رسانه‌ها مدام با آن روبه‌رو هستیم خیلی بیشتر از اینهاست.

**نظر کارگردان:** کمال تبریزی نظر متفاوتی نسبت به منتقدان فیلمش داشت و معتقد بود: آنها یکی که با فیلم ارتباط برقرار می‌کنند، خیلی خوب جزئیات را تمیز می‌دهند و وارد عمق می‌شوند. واقعیت این است که عبور از لایه‌های سطحی امکان مینا و رفتن به لایه‌های عمیق ترش کمی سخت است. مثل آب استخر نیست، مثل استخری است که سطح بیرونش یخ زده است؛ باید یخ‌هایی را بشکنید.

می‌نویسد اما مینا دور از چشم شوهرش به سازمان مجاهدین پیوسته است. او با توجه به شغل همسرش به اخبار و اطلاعات روز کشور دسترسی دارد و البته آن را در اختیار سازمان مجاهدین قرار می‌دهد. فیلم سینمایی «امکان مینا» به دلیل ضعف در شخصیت‌پردازی و البته حفره‌های دراماتیک در فیلمنامه مورد انتقاد کارشناسان قرار گرفت. در سری‌وچهارم دوره جشنواره فیلم فجر همزمان ۲ فیلم «امکان مینا» و «سیانور» به سازمان مجاهدین پرداخته بودند.

«ماجرای نیمروز» محمدحسین مهدویان را باید نقطه عطفی در ژانر سیاسی-امنیتی ۲ دهه اخیر سینمای ایران به شمار آورد. دوکوپا و میزانشن‌های خاص این کارگردان جوان که در «آخرین روزهای زمستان» و «ایستاده در غبار» جوایز گرفته بود، در «ماجرای نیمروز ۱» به قله موفقیت رسید. این اثر همزمان به عنوان بهترین فیلم و بهترین فیلم از نگاه تماشاگران در جشنواره سی‌وپنجم فجر شناخته شد. «ماجرای نیمروز ۱» روایتگر ترورهای سال ۶۰ و بعد از برکناری بنی‌صدر است. روزهایی که نفوذ عناصر متناقضین در دستگاه‌های دولتی و حکومتی افزایش یافته و ترورها تا سطح رئیس‌جمهور پیشرفت کرده است. اکثر کاراکترهای حاضر در ماجرای نیمروز، ما به ازای بیرونی دارند؛ البته بنا به مصالحی اسامی آنها تغییر یافته است. فینال فیلم، روایت حمله به مخفیگاه موسی خیابانی، رئیس شاخه ترور سازمان متناقضین است که بعد از یک درگیری نیم‌روزه و با مرگ وی پایان می‌یابد. کارگردانی درست فیلم ماجرای نیمروز در کنار بازی‌های یکدست از عوامل موفقیت این فیلم است. رهبر انقلاب در دیدار با عوامل فیلم ماجرای نیمروز گفتند: «فیلم‌تان عالی بود. خیلی خوب بود. نشستیم استفاده کردیم و لذت بردیم. اولاً کارگردانی عالی بود، بازی‌ها عالی بود، قصه عالی بود، فیلم خوش‌ساخت بود، خیلی خوب بود. آن روزی که این قضیه اتفاق افتاد من دفتر امام بودم، همان ظهر. این بچه‌ها

**به رنگ ارغوان**

تعداد تماشایی  
 ۲۷۱ هزار و ۸۵۵ نفر

میزان فروش  
 ۵۵۶ میلیون و ۵۷۴ هزار تومان

**قلاده‌های طلا**

تعداد تماشایی  
 ۱۰ هزار و ۷۷۴ نفر

میزان فروش  
 ۴۴ میلیون و ۳۲۶ هزار تومان

**روباہ**

تعداد تماشایی  
 ۲۶ هزار و ۹۴۰ نفر

میزان فروش  
 ۱۲۷ میلیون و ۱۸۶ هزار تومان

قطعاً «به رنگ ارغوان» ساخته ابراهیم حاتم‌کیا را باید یکی از ۳ فیلم جنجالی دهه ۸۰ سینمای ایران به شمار آورد؛ جنجالی که البته بعد از اکران فیلم مشخص شد یک هیاهوی بی‌مورد بوده است. فیلم بعدها از تلویزیون نیز پخش شد. «به رنگ ارغوان» پس از ۴ سال توقیف در بیست‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر اکران شد و توانست همزمان سیمرغ بهترین فیلم، بهترین فیلمنامه، بهترین کارگردانی و بهترین فیلم از نگاه تماشاگران را از آن خود کند.

«به رنگ ارغوان» روایتگر احوالات یک مأمور امنیتی به نام هوشنگ است که برای دستگیری یکی از سرشاه‌های یک گروهک معاند با نام شفق (با نقش آفرینی فرهاد قائمیان) عازم شمال کشور می‌شود. پوشش هوشنگ در این فیلم به صورت یک دانشجوی دانشکده جنگل‌داری است. در این دانشکده ارغوان دختر شفق نیز در حال تحصیل است. هوشنگ، ارغوان را زیر نظر گرفته و رفته‌رفته نوعی وابستگی در او شکل می‌گیرد. این وابستگی هوشنگ را با یک خوددگرایی فلسفی مواجه می‌کند. با ورود شفق به روستا درگیری‌ها آغاز و در نهایت شفق کشته می‌شود. نمایش تجهیزات امنیتی

بعد از تجربه ناموفق فیلم سینمایی «پایان نامه» درباره حوادث سال ۱۳۸۸، «قلاده‌های طلا» به نویسندگی و کارگردانی ابوالقاسم طالبی نخستین محصول سینمایی جدی است که به وقایع آن سال‌ها پرداخته است. «قلاده‌های طلا» با اشاره به ماجرای یک پرونده خرابکاری واقعی آغاز می‌شود. سرویس‌های امنیتی بیگانه برای بحران‌سازی در مملکت قصد دارند یک عملیات تروریستی در پرواز اهواز - تهران انجام دهند که در نهایت شکست می‌خورد. با شکست عملیات مخالفان جمهوری اسلامی ایران، مازیار فانی‌زاده، جاسوس ارشد ایرانی تبار ام‌ای ۶ از سوی سرپرست ایرانی تبار خود یعقوب قادری (مک‌گورین)، مأمور می‌شود به ایران بیاید و در شلوغی‌های بعد از انتخابات ایفای نقش کند.

**نظر کارگردان:** «قلاده‌های طلا» حاشیه‌های بسیاری در پی داشت. حواشی از اکران فیلم در جشنواره فجر آغاز شد و حتی تا ۷ سال بعد و در بخش تلویزیونی نیز ادامه یافت. نهم دی‌ماه ۱۳۹۷ و بعد از پخش قلاده‌های طلا از شبکه افق، ابوالقاسم طالبی در تونتی نوشت: «امشب (نهم دی‌ماه) ۹۷ ساعت (۲۰:۳۰) از بیت حضرت رهبری را بنده تماس گرفتند و پیام ایشان را به اطلاع بنده رساندند، حضرت آقا فرمودند: دیشب مجدداً فیلم شما را از شبکه افق دیدم، آفرین آفرین آفرین؛ دست شما در نکتد از قول من به بازیگران سلام برسانید». البته همزمان با پخش، فیلم در تاریخ مذکور با واکنش وزارت اطلاعات روبه‌رو شد و این وزارتخانه نسبت به محتوای این فیلم موضع گرفت.

جلال خورده می‌شود و این بار در زمین نیروهای امنیتی بازی می‌کند. روباه مانند اکثر آثار افخمی از یک زیرلایه طنز نیز برخوردار است.

**نظر کارگردان:** بهروز افخمی در مصاحبه‌ای از نبود علاقه مسؤولان فرهنگی به تولید اثری همچون «روباہ» گفته بود: «زمانی که روز شیطان» را ساختم خیلی علاقه‌ای به ساخت چنین فیلمی میان مسؤولان بنیاد فراهی و وزارت ارشاد نبود، بعد از ۲۰ سال باز هم علاقه‌ای میان مسؤولان احساس نکردم. در واقع سازمان انرژی اتمی از طریق بنیاد فراهی هزینه «روباہ» پرداخت کرده و فکر می‌کنم فیلم خیلی مورد علاقه مسؤولان وزارت ارشاد نیست».

**نظر کارگردان:** بهروز افخمی سال‌ها بعد درباره پرسه ساخت «روز شیطان» گفت: «فیلم را با پول خودمان ساختیم. من رفتم پیش آقای بهشتی مدیرعامل وقت فراهی و خلاصه داستان را که اقتباسی بود از رمان «فردریک فورسایت» بارش تعریف کردم. این را می‌دانستم که روز شیطان پر فروش نمی‌شود برای همین به بهشتی گفتم شما هزینه‌هایی که معمولاً بابت پیش‌خرید حقوق تلویزیونی و پخش ویدئویی و فیلمخانه می‌دهید را که چیزی حدود ۵۰ درصد بودجه فیلم می‌شود پرداخت کنید، بقیه را خودمان از جیب می‌گذاریم».

**به رنگ ارغوان**

تعداد تماشایی  
 ۲۷۱ هزار و ۸۵۵ نفر

میزان فروش  
 ۵۵۶ میلیون و ۵۷۴ هزار تومان

**قلاده‌های طلا**

تعداد تماشایی  
 ۱۰ هزار و ۷۷۴ نفر

میزان فروش  
 ۴۴ میلیون و ۳۲۶ هزار تومان

**روز شیطان**

تعداد تماشایی  
 ۲۶ هزار و ۹۴۰ نفر

میزان فروش  
 ۱۲۷ میلیون و ۱۸۶ هزار تومان

